

# طب سنتی چین



---

سرشناسه: لیائو، یوچون، ۱۹۵۳ - م.  
عنوان و نام پدیدآور: طب سنتی چین/لیائو یوچون؛ ترجمه چنگزی ما.  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.  
مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص: مصور، جدول، نمودار.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۳۴-۷  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: پزشکی چینی  
موضوع: Medicine, Chinese  
شناسه افزوده: ما، چنگزی، ۱۳۶۴ -، مترجم  
رده‌بندی کنگره: R۶۰۱  
رده‌بندی دیویی: ۶۱۰/۹۵۱  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۱۱۷۶۵

---

# طب سنتی چین

لیائو یوچون  
ترجمہ چنگزی ما



این کتاب ترجمه‌ای است از:

廖育群著

中国传统医药

© China Intercontinental Press, 2022

© Liao Yuqun

© حق چاپ فارسی این کتاب را چاینا اینتر کنتیننتال پرس

به انتشارات ققنوس واگذار کرده است.

تمام حقوق محفوظ است.



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶ ۴۰ ۸۶ ۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

\*\*\*

لیائو یوچون

طب سنتی چین

ترجمه چنگیزی ما

چاپ اول

۷۷۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۳۴-۷

ISBN: 978-622-04-0434-7

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

## فهرست

- ۷..... پیشگفتار.....
- ۹..... رویکرد طب سنتی چین.....
- ۱۰..... پذیرش طب سنتی چین.....
- ۱۳..... طرز تفکر طب سنتی چین.....
- ۱۸..... شکل‌گیری و تغییر و تحول سنت.....
- ۲۴..... درک طب سنتی چین.....
- ۲۷..... مبانی کلاسیک طب سنتی چین.....
- ۲۹..... مجموعه مسائل طبّی امپراتور زرد.....
- ۳۱..... مجموعه هشتاد و یک مسئله دشوار طبّی امپراتور زرد.....
- ۳۳..... مجموعه مواد شفابخش خدای زراعت.....
- ۳۴..... رساله‌ای بر امراض سرد و بیماری‌های مختلف.....
- ۳۵..... گردآوری کتاب‌ها و تبدیل آن‌ها به مجموعه‌های طبّی.....
- ۳۹..... نظریه بنیادین طب سنتی چین.....
- ۴۰..... نظریه‌های بین و یانگ و وو شینگ.....
- ۴۶..... اعضای داخلی بدن و نمودهای آن.....
- ۵۰..... مجاری اصلی و فرعی.....
- ۵۵..... سبب‌شناسی.....
- ۶۰..... تشخیص بیماری.....
- ۶۹..... درمان‌های درونی و بیرونی در طب سنتی چین.....
- ۷۰..... طب سوزنی و موکسادرمانی.....
- ۷۴..... تجویز دارو.....
- ۸۱..... معالجه همزمان درون و برون.....
- ۸۵..... مواد شفابخش.....
- ۸۶..... شکل‌گیری نظریه مواد شفابخش.....



- ۸۷..... کتاب‌های مهم در زمینه مواد شفابخش
- ۹۲..... مطالعات داروشناختی
- ۹۴..... تجویز دارو و بازار
- ۹۸..... فراوری گیاهان دارویی
- ۱۰۰..... داستان جینسنگ
- ۱۰۷..... استان‌هایی از اطبای معروف در تاریخ
- ۱۰۸..... پین چیائو
- ۱۱۰..... ژانگ ژونگ‌جینگ و هُواتوئو
- ۱۱۳..... وانگ شوهه و هوانگ فومی
- ۱۱۵..... سان سیمپائو
- ۱۱۶..... چهار مکتب بزرگ سلسله‌های جین و یوان
- ۱۲۰..... ژانگ جینگ‌یوئه
- ۱۲۲..... یه تیانشی
- ۱۲۴..... وانگ چینگ‌رن
- ۱۲۷..... طب سنتی چین و پرورش حیات
- ۱۲۹..... پرورش حیات در چهار فصل
- ۱۳۱..... ترکیب غذا و دارو
- ۱۳۴..... ورزش و سلامتی
- ۱۳۶..... احساسات و بیماری‌ها
- ۱۳۹..... میراث و توسعه طب سنتی چین
- ۱۴۰..... ایجاد نظامی استاندارد برای طب سنتی چین
- ۱۴۲..... توسعه و نوآوری‌های طب سنتی چین در کاربرد بالینی
- ۱۴۵..... ادغام طب سنتی چین با پزشکی غربی و مدرن‌سازی آن
- ۱۴۷..... صدور طب سنتی چین به جهان
- ۱۴۹..... گاهشماری: تاریخچه اتفاقات مهم در روند توسعه طب سنتی چین در دوره معاصر

## پیشگفتار

چهار حوزه پیشرفته در تمدن چین باستان عبارت بودند از نجوم، ریاضیات، کشاورزی و طب سنتی چین. آن‌ها عموماً به عنوان سیستمی از دانش و مهارت پذیرفته شده بودند، با وجود این که برخی آن‌ها را به عنوان «علم» نمی پذیرفتند. طب سنتی چین تنها مورد از چهار حوزه فوق است که در چین مدرن هرگز جایش را به علوم غربی نداد و همچنان نقش قابل توجهی در زندگی اکثر چینی‌ها ایفا می کند.

با توجه به این که طب سنتی چین زمانی شکل گرفت که علوم پیشرفته وجود نداشتند، این پرسش مطرح می شود که طب سنتی چین چگونه تاکنون به حیات خود ادامه داده، حال آن که پزشکی مدرن پاسخگوی تمامی نیازهای پزشکی انسان است؟ آیا طب سنتی چین نوعی علم است یا فقط مجموعه‌ای است از تجربیات؟ آیا طب سنتی چین قادر است همچنان به پیشرفت و توسعه خود ادامه دهد، یا به ناچار علم پزشکی رایج غرب جایگزین آن خواهد شد؟ پرسش‌هایی از این دست ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده.

از دیدگاه بسیاری از مردم، طب سنتی چین قدمتی هزاران ساله دارد و تمامی نظریات، تجربیات و تکنیک‌هایش نشئت گرفته از مبدائی واحد — یعنی «سنت» — است. هنگامی که علم پزشکی غرب، که در تضاد کامل با طب سنتی چین است، وارد کشور شد و سرتاسر کشور

از جمله جامعه آکادمیک را در بر گرفت، جامعه پزشکی چین از آن با عنوان «انقلاب» یاد کرد. ولی اگر نگاه دقیق‌تری داشته باشیم، متوجه می‌شویم که تاریخ طب سنتی چین نیز با انقلاب‌های بزرگ و کوچکی همراه بوده و امروزه طب سنتی چین در واقع «طب سنتی معاصر» است که با طب سنتی باستان تفاوت‌های عمده‌ای دارد. بنابراین داشتن منشأ واحد به معنی عدم تغییر در طول زمان نیست.

طب سنتی چین، در مقایسه با طب سنتی سایر کشورهای جهان، با موانع چندان بزرگی روبه‌رو نشده و همواره در زندگی اجتماعی و حوزه سلامت مردم چین حضور داشته است. برخی می‌گویند که طب سنتی چین در موازات با پزشکی غربی و هم‌راستا با آن است، و بسیاری از دانشمندان داخلی و خارجی نیز بر این باورند که دلیل این که علم پزشکی مدرن هرگز نتوانسته جایگزین طب سنتی چین شود این است که پزشکی غربی هنوز محبوبیت کافی به دست نیاورده است. بنابراین طب سنتی به عنوان مکمل علم پزشکی، به ویژه در مناطق روستایی، هنوز مورد نیاز مردم است. از دیگر سو، محبوب‌ترین مراکز طب سنتی در توسعه‌یافته‌ترین شهرها قرار ندارند. مردم روستاها به هنگام بیماری به دنبال درمان‌های مدرن‌اند و مردم شهرهای بزرگ نیز از عفونت حاصل از معاینات پزشکی و عوارض سوء قرص‌ها و داروهای شیمیایی هراسان‌اند و به عمل جراحی نیز به‌سادگی رضایت نمی‌دهند. آن‌ها به امید یافتن درمان‌های «طبیعی» به طب سنتی روی می‌آورند. چنین نگرانی‌هایی روزه‌روز در حال گسترش است. این پدیده را شاید بتوان «رنسانس» طب سنتی در چین معاصر به شمار آورد. با توجه به مطالب فوق، می‌توان پیش‌بینی کرد که طب سنتی چین در مقابل علم پزشکی غرب از بین نمی‌رود و همواره جایگاه خاص خود را حفظ خواهد کرد.



---

## رویکرد طب سنتی چین

---



### پذیرش طب سنتی چین

به ندرت می‌توان شخصی را در چین یافت که هیچ‌گاه به مطب‌های طب سنتی مراجعه نکرده یا درمان‌های سنتی را امتحان نکرده باشد. حتی افرادی که کاملاً سالم‌اند و تاکنون فرصت امتحان طب سنتی را نداشته‌اند نیز طب سنتی چین را به خوبی می‌شناسند. این افراد، با این که خود هیچ تجربه‌ای از آن ندارند، به اقوام و آشنایانشان توصیه می‌کنند که برای رفع امراض و بازیابی سلامتی‌شان از طب سنتی چین استفاده کنند. از طرفی افرادی نیز هستند که طب سنتی چین را غیرعلمی می‌دانند، ولی هنگامی که بیمار می‌شوند و از طب مدرن قطع امید می‌کنند، نظرشان عوض می‌شود و به طب سنتی چین روی می‌آورند.

این پدیده‌ها کاملاً عادی‌اند. دیدن فیلم‌هایی مانند پکنی‌ها در نیویورک و خراش به درک بهتر این پدیده‌ها کمک می‌کند. مثلاً، در فیلم پکنی‌ها در نیویورک، هنگامی که آ-چون از یک دکتر طب سنتی درخواست می‌کند فرزندش از شوهر سابقش را که دچار درد مفاصل است درمان کند، مقامات قضایی وی را به بدرفتاری با کودکش متهم می‌کنند. در فیلم خراش نیز کودکی از قیمومت پدر خود، که برای درمان او از «خراش درمانی» استفاده کرده بود، خارج می‌شود.

در حال حاضر پزشکی غرب روش اصلی درمان بیماری‌هاست. اما چرا مردم چین هنوز به طب سنتی این کشور اعتقاد دارند و از معجون‌های گیاهی چینی استفاده می‌کنند؟ چرا مردم چین قادر به درک دیدگاه غربی‌ها نسبت به طب سنتی چین که در این فیلم‌ها به نمایش درآمده‌اند نیستند؟ جواب

### خواش درمانی

یکی از روش‌های درمانی سنتی رایج میان مردم چین که در آن با ابزار (مانند شاخ بوفالو، سنگ یشم، سکهٔ برنزی، لبهٔ غیرتیز سرامیک و غیره) که به روغن آغشته شده است به کرات روی پوست سینه، کتف یا محل مورد نظر می‌کشند تا پوست به رنگ قرمز درآید. این عمل باعث باز شدن مریدین‌ها، رقیق شدن خون و از بین رفتن خون‌مردگی‌ها، تقویت مقاومت بدن، از بین رفتن نیروی شر، و جلوگیری از بیماری می‌شود. علوم مدرن ثابت کرده‌اند که خراش درمانی موجب انبساط مویرگ‌ها، افزایش ترشح غدد تعریق و بهبود جریان گردش خون می‌شود. این روش درمانی در درمان درد عضلات، گرم‌زدگی و ... مؤثر است.

## رویکرد طب سنتی چین



داروهایی که در طب سنتی چین استفاده می‌شوند بیشترشان گیاهی هستند.

این است که، از نظر مردم چین، طب سنتی چین یک نظام پزشکی است و می‌تواند بیماری‌ها را درمان کند. چنین باوری بسیار ارزشمند است. بدون چنین باوری طب سنتی چین قادر به ادامه حیات خود نیست، چرا که علوم مدرن بر تمامی حوزه‌های دانش و تفکر مردم عادی سلطه دارند. در این جا پرسشی مطرح می‌شود که باید بدان توجه داشت. این که چرا مردم چین طب سنتی را می‌پذیرند در حالی که تمام مردم جهان علوم مدرن را شالوده ساختارهای دانش می‌دانند و عمیقاً «علم» را می‌پرستند؟



داروخانه طب سنتی چین.

پاسخ ساده است، چین هم از لحاظ مساحت و هم از لحاظ جمعیت کشور بزرگی است. زمانی که علم پزشکی غرب وارد چین شد، تا مدت‌ها قادر به پاسخگویی به نیازهای حوزه سلامت مردم در بخش‌های وسیعی از مناطق روستایی و دورافتاده نبود.

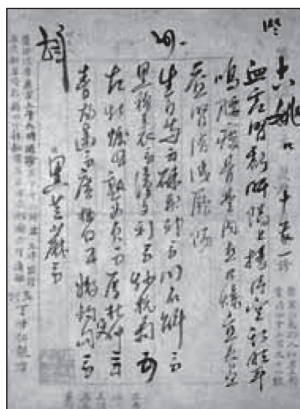


طب سوزنی یکی از شگفت‌آورترین فنون طب سنتی چین است.

به همین دلیل، مردم همواره به عنوان نوعی درمان تکمیلی به طب سنتی متوسل می‌شدند. توضیح دیگر این که مردم چین محافظه‌کار و سنتی‌اند و به روش‌های سنتی گرایش دارند. واقعیتی که امروزه با آن مواجهیم این است که هزینه طب سنتی به هیچ‌وجه کمتر از پزشکی غرب نیست. بدیهی است که اقتصاد قادر به ارائه توجیهی مناسب برای این موضوع نیست. ولی نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد این است که مردم هنگامی که علم پزشکی مدرن قادر به معالجه بیماری‌شان نباشد، به طب سنتی روی می‌آورند و برای خلاصی از زجری که می‌کشند حاضر به پرداخت هر هزینه‌ای هستند. بدون شک، راز پیشرفت مستمر طب سنتی چین «عقب‌ماندگی» اش نیست. چرا که با این که علم پزشکی مدرن از ابزارهای تشخیصی پیشرفته‌تری استفاده می‌کند، بیماری‌های نسبتاً کمتری را می‌تواند درمان کند. روش‌های فیزیکی و شیمیایی و همچنین عمل‌های جراحی نه تنها خود به اندازه کافی حالت طبیعی بدن انسان را تغییر می‌دهند، که بیماری‌های ناشی از آنها هم هر روز پیچیده‌تر می‌شود. چنین نقص‌هایی در علم پزشکی مدرن فضا را هرچه بیشتر برای طب سنتی چین باز می‌گذارد تا کارایی خود در بازگرداندن حالت و کارکردهای طبیعی بدن را به رخ همگان بکشد.

### طرز تفکر طب سنتی چین

در اوایل دوران باستان، در زمینه دانش و مهارت‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف تقسیم کار وجود داشت. ولی در خصوص دانش مربوط به بدن انسان باستان، تحت تأثیر این ایده که درک وقایع با «مقایسه ساختارشان، اگر نزدیک باشند، و مقایسه شکل ظاهری‌شان، اگر دور باشند» ممکن است، بر این باور بودند که آسمان و قلب انسان جهانی بزرگ را تشکیل داده‌اند و بدن انسان نیز جهان کوچکی ایجاد کرده است. جهان بزرگ و جهان کوچک با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و تعامل دارند. این ایده



سوابق پزشکی یک بیمار که طبیب طب سنتی چین نوشته است؛ در طب سنتی چین سابقه پزشکی «پرونده نبض» خوانده می‌شود.



سوزن‌های طلایی پزشکی، به دست آمده از گورهای دوره دودمان هان.

در تائوئیسم که «همه چیز باید با جهان طبیعت همساز باشد» نیز بر اساس مقایسه منشأ، مسیر کمال، و زوال همه اشیای روی زمین و جهان بزرگ استوار است. در کتاب مجموعه مسائل طبی امپراتور زرد،<sup>۱</sup> ایده پرورش سلامت در چهار فصل بدون شک متأثر از تائوئیسم است. بر اساس این ایده، تمامی چیزها در بهار جوانه می‌زنند،

در تابستان رشد می‌کنند، در پاییز می‌رسند، و در زمستان انبار می‌شوند.

چنین تشبیهی به کرات در کتاب‌های پزشکی تألیف شده در ادوار

1. Huang Di Nei Jing

مختلف تاریخ چین، به‌ویژه در پایه‌گذاری اصول نظری طب سنتی چین و بسط و گسترش روش‌های درمانی آن، استفاده شده است. آگاهی از این تشبیهات کلیدی درک طب سنتی چین است. مثلاً، در نظریهٔ زانگ شیانگ<sup>۱</sup> (که اعضای داخلی

بدن و نمودهای خارجی آن را به تصویر می‌کشد، یعنی قلب مانند پادشاه، طحال مانند انبار غلات، کبد مثل ژنرال، و کیسهٔ صفرا همچو قاضی است) کارکرد اعضای داخلی بدن به نظام درباری تشبیه شده است. همچنین، در ترکیب و ایجاد فرمول‌ها، گیاهان به چهار گروه پادشاه، وزیر، دستیار و مشاور تقسیم‌بندی شده‌اند. در نظریهٔ «مجاری اصلی و فرعی»، گردش خون و چی<sup>۲</sup> به جریان آب در رودخانه‌ها و دریاچه‌ها تشبیه شده است. در پاتولوژی و تشخیص بیماری، اعتقاد بر این است که هنگام حملهٔ عوامل بیماری‌زا به بدن، حتماً باید



فضای اضافی در داخل بدن وجود داشته باشد [تا بیماری بتواند در بدن نفوذ کند].<sup>۳</sup> بنابراین با پر کردن این فضای اضافی در بدن می‌توان سد راه نفوذ این

عوامل بیماری‌زا شد. روش درمانی برای «تقویت چی سلامتی و پرورش چی ازلی» و همچنین روش‌های درمانی برای بیرون راندن عوامل بیماری‌زا از بدن بر اساس همین ایده شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. بیماری‌هایی که انسان‌ها را مبتلا می‌کنند به سیل‌هایی تشبیه شده‌اند که به دلیل مسدود شدن رودخانه‌ها از گل‌ولای از بستر رودخانه بیرون زده‌اند. مبانی نظری و روش‌های عملی تسکین ایستایی خون و بهبود هاضمه نیز از همین جانشئت گرفته‌اند. در پاتولوژی، اعتقاد بر این بود که گیاه چن شیانگ قادر به هدایت

1. zang xiang

2. qi

۳. قلاب‌هایی که در متن آمده و نیز تمام پانوشت‌های کتاب افزودهٔ مترجم است.

## رویکرد طب سنتی چین



جعبه دارویی که از گوری مربوط به دوره تانگ کشف شده. محتوای ظرف شنگرف است که در تهیه دارو استفاده می شده است.

خون و چی به سمت پایین است چرا که این گیاه روی آب باقی نمی ماند و ته نشین می شود. این در حالی است که گل ها خون و چی را به سمت بالا هدایت می کنند، چرا که روی گیاهان می رویند. در واقع، در طب سنتی چین بسیاری از قوانین علت و معلولی را می توان از طریق تشبیه توضیح داد. در دوران باستان، اطبا نحوه تشبیه

موضوعات مختلف به یکدیگر را به تفکر و ادراک شهودی خود نسبت می دادند. رموز نظریه طب سنتی چین، انعطاف پذیری روش های درمانی، و ادراکات اطبای زمان باستان را به سادگی می توان با استفاده از تشبیه توضیح داد. به عبارت دیگر، طب سنتی چین قابل مشاهده ولی غیر قابل بیان و



تصویری مربوط به دوران دودمان چینگ که شیوه نبض گیری در آن توضیح داده شده است: نبض گیری اساسی ترین شیوه معاینه در طب سنتی چین است.

توضیح است. لیانگ چیچائو، یکی از دانشمندان بزرگ عصر مدرن (۱۸۷۳-۱۹۲۹ م)، در این باره می‌گوید: «معمای ادراکات قابل مشاهده ولی غیرقابل بیان را می‌توان در تمامی علوم چین یافت. این حس و ادراک مرموز مانعی بزرگ بر سر راه گسترش علم و دانش است.» مثالی که لیانگ در این رابطه می‌زند طب سنتی چین است. طب سنتی چین در مقایسه با سایر علوم چین باستان (مانند نجوم و ریاضیات) بدون شک نمودهای بسیار بیشتری از فرهنگ سنتی چین را در خود جای داده است.

امروزه، افرادی که علوم سنتی چین (از جمله طب سنتی چین) را با معیارها و ارزش‌های علوم غربی می‌سنجند، بارها و بارها مفهوم «ادراکات قابل مشاهده ولی غیرقابل بیان» را، که طب سنتی چین آکنده از آن‌هاست ولی از نظر علوم مدرن توجیه‌ناپذیر است، به چالش کشیده‌اند.

«تفکر استعاری» در فلسفه کلاسیک چین اغلب با عبارت «تعامل بین افلاک و انسان‌ها» توصیف شده و در مجامع دانشگاهی نیز به عنوان یکی از روش‌های تفکر مردم چین به رسمیت شناخته شده است، به‌ویژه مفهوم تعامل بین افلاک و انسان‌ها که بخش مهمی از چارچوب فکری مردم چین است. در کتاب *گزیده‌های تاریخی لویا*<sup>۱</sup> که در زمان حکمرانی سلسله چین و هان نگاشته شده، این‌گونه آمده است: «چیزهایی که از یک سنخ باشند با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. چی‌های همجنس در همدیگر ادغام می‌شوند و اصواتی که متعلق به یک گروه باشند به یکدیگر واکنش نشان می‌دهند.» در سلسله سونگ شمالی، زان نینگ<sup>۲</sup> (۹۱۹-۱۰۰۱ م)، پس از بررسی مطالعاتی که پیش از وی انجام شده بود، کتابی با عنوان *مجموعه تعاملات بین مواد متفاوت*<sup>۳</sup> نوشت و در آن پانصد واکنش بین‌موادی را که ماهیت‌های متفاوت داشته‌اند صورت کرد. چنگ یی<sup>۴</sup> (۱۰۳۳-۱۱۰۷ م)، که یکی از فیلسوفان بزرگ سلسله سونگ شمالی بود، این پدیده‌ها را به صورت یک اصل کلی درآورد. طبق این اصل، «تنها یک ادراک و تنها یک واکنش در جهان وجود دارد». این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که برای درک طب سنتی چین، نه تنها باید

1. *Lü Shi Chun Qiu*

2. *Zan Ning*

3. *Wu Lei Xiang Gan Zhi*

4. *Cheng Yi*

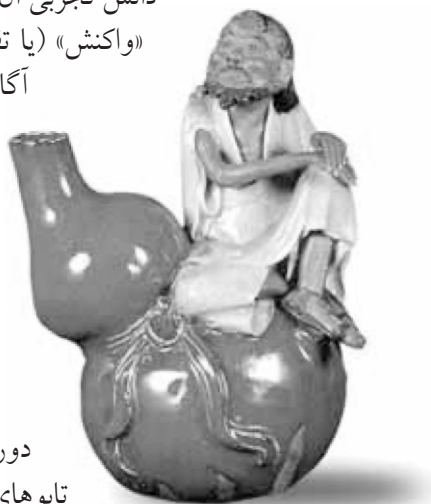




در تاریخ چین اغلب دربارهٔ برخی از طبیبان مشهور افسانه پردازی می‌شد، مانند «خدای طب» که لقب سان سیمیانو طبیب سلسلهٔ تانگ بوده. روایت شده وی ببر و اژدها را درمان کرده و آن دو برای قدردانی از وی همیشه گوش به فرمانش بوده‌اند، بنابراین در این مجسمه، اژدها و ببر نیز وجود دارند.

دانش تجربی آن را شناخت، بلکه باید از اهمیت مفهوم «واکنش» (یا تفکر استعاری) در طب سنتی چین نیز آگاه بود.

تفکر بناشده بر پایه تعامل و واکنش ماهیتی دوگانه دارد که به جادوگری یا علم ختم می‌شود. مثلاً، نقیصه لب شکافته را در نظر بگیرید. این ایده که تولد نوزاد با این عارضه حاصل دیدن خرگوش لب‌شکری یا خوردن گوشت آن توسط مادر در دوران بارداری است مطمئناً ریشه در تابوهای جادوگری دارد. ولی امروزه ثابت شده



است که این تفکر باستانی پایه و اساس علمی دارد. لی شیژن<sup>۱</sup> (۱۵۱۸-۱۵۹۳ م)، که طبیبی بزرگ از سلسله مینگ بود، نیز در کتاب خود مجموعه مواد شفابخش<sup>۲</sup> از

مجسمه تیه گوآی‌لی، یکی از «هشت فناپذیر» که همیشه کدویی بر پشت داشت و بین مردم به درمان بیماری‌هایشان می‌پرداخت.

دانش تجربی [کسب‌شده در طی قرون متوالی] در خصوص گیاهان دارویی استفاده کرده است. مثلاً، از سلاحی باستانی به نام تانگ‌چی<sup>۳</sup> برای درمان زایمان‌های دشوار الهام گرفته است. همچنین، از شانه برای درمان قلت شیر مادران استفاده می‌شد. البته مورد اول مطمئناً ثمربخش نیست، ولی شانه کاملاً اثربخش است، چرا که «کشیدن چندصدبار شانه روی سینه‌ها» اثرش مشابه ماساژدرمانی است و برای افزایش شیر مادران مفید است.

### شکل‌گیری و تغییر و تحول سنت

مردم چین در طول تاریخ کشور خود را برترین سرزمین در مرکزیت جهان و فرهنگ خود را عالی‌ترین فرهنگ می‌دانستند. ولی واقعیت

1. Li Shizhen

2. Ben Cao Gang Mu

3. tong qi

این است که چین همواره در حال جذب فرهنگ‌های سایر ملت‌ها بوده است. در حوزه پزشکی، تأثیر فرهنگ‌های خارجی بر طب چینی نمودهای مختلفی در دوران امپراتوری سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ م) و اوایل سلسله چینگ (۱۶۴۴-۱۹۱۲ م) داشت.

در اواخر سلسله مینگ و اوایل سلسله چینگ، داروهایی از هند، جهان عرب و جنوب آسیای میانه و مناطق جنوب غرب آسیا وارد چین شدند. ولی ورود این داروها باعث ایجاد تناقض نشد، چرا که این نظام‌های پزشکی ماهیتاً تفاوت اساسی‌ای با طب سنتی چین نداشتند. به همین دلیل بود که بخش عمده دانش و روش‌های درمانی این نظام‌های پزشکی وارد طب سنتی چین شدند. یکی از مثال‌ها در این زمینه تکنیک خارج کردن آب مروارید از چشم است. حتی در سال ۱۸۰۵ م که واکسن آبله وارد چین شده بود، اطبای سنتی چین همچنان بر طرز تفکر سنتی اصرار می‌ورزیدند و این‌گونه عنوان می‌کردند که واکسن آبله از آن جهت از آبله کوبی کم‌خطرتر است که گاوها اهلی‌تر از انسان‌ها هستند. بعدها، زمانی که داروهای غربی، که بر اساس آناتومی انسان ساخته می‌شدند و پشتوانه علمی قدرتمندی داشتند، وارد چین شدند، اطبای چینی با سرسختی تمام ادعا کردند «از داروهای غربی می‌توان در طب چینی استفاده کرد» چرا که «مطالعات غربی‌ها ریشه در علم چینی‌ها دارد». تا زمانی که مردم درخواست منسوخ شدن طب سنتی چین را نکرده بودند، اطبای چینی متوجه بحرانی که آن‌ها را تهدید می‌کرد نشده بودند. حال با گذشت زمان اوضاع فرق کرده است. امروزه هنگامی که طب سنتی چین را به عنوان یک نظام دانش بررسی می‌کنیم، لازم نیست به تلاش‌هایی که اطبای سنتی چین در گذشته برای بقای طب سنتی این کشور کرده‌اند اشاره کنیم. مهم مشاهده تغییراتی است که بر اثر فشارهای علم پزشکی غرب در طب سنتی چین حاصل شده است. تغییر اول این‌که، اگر علم پزشکی غرب وارد چین نشده بود، اصلاً واژه «طب سنتی چین» وجود نداشت. همچنین، اگر علم پزشکی غرب دنیا را

زیر سلطه خود درنیاورده بود، مفهوم «طب سنتی» نیز بی معنا بود. تا علم پزشکی غرب وارد چین نشده بود، مردم به تفاوت‌های بین طب چینی و علم پزشکی غربی فکر نکرده بودند؛ و تا بقای طب چینی به خطر نیفتاده بود، اطباء سنتی چین احساس نمی‌کردند که برای دفاع از طب سنتی و توضیح و تشریح مزایا و ارزش آن نیاز است کاری انجام دهند. اگر به ژورنال‌ها و کتاب‌های پزشکی چاپ‌شده در قرن بیستم میلادی نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که چگونه اطباء سنتی چین در صدد تقلید از علم پزشکی غرب مبنی بر پایه‌ریزی اصول نظری طب سنتی چین از منظر سبب‌شناسی، پاتولوژی، درمان‌شناسی و داروشناسی برآمدند. با تحلیل دقیق سبک نوشتاری این کتاب‌ها و ژورنال‌ها، به راحتی می‌توان ملاحظه کرد که اطباء سنتی چین به طور ناخودآگاه از طرز تفکر پزشکان غربی تقلید کرده و سعی در یادگیری نحوه تحلیل مسائل و تفکر منطقی‌شان داشته‌اند.

تغییر دوم این‌که، معرفی علم پزشکی غرب به چین دانش ابتدایی عظیمی را در حوزه علم زیست‌شناسی وارد این کشور کرد. در مجموعه مسائل طبی امپراتور زرد، از قفسه سینه با عنوان «مجرای فرعی معده» یاد شده است، چرا که انسان‌ها برای حفظ حیات و انجام دادن فعالیت‌های فیزیولوژیک نیاز به غذا دارند؛ همچنین بر اساس این کتاب، ادرار از روده کوچک جدا شده و به داخل مثانه می‌ریزد. چنین تفکراتی به تدریج جای خود را به دانش علمی و مدرن زیست‌شناسی دادند. به همین ترتیب، زمانی که علم پزشکی غرب به چین راه پیدا کرد، اطباء سنتی چین متوجه شدند که «مجاری اصلی یا گذرگاه‌ها»<sup>۱</sup> در واقع رگ‌های خونی نیستند. این باعث شد که در ماهیت «مجاری اصلی یا گذرگاه‌ها» و «اعضای داخلی بدن»<sup>۲</sup> دوباره تعمق کنند. نظریه «مجاری» و «اعضای داخلی بدن و نمودهای خارجی آن» بر اساس همین درک جدید پایه‌ریزی شده است. تغییر سوم این‌که، در واکنش به فشارهای علم پزشکی غرب، اطباء سنتی چین از طریق اقداماتی چون تأسیس مدرسه، برگزاری دوره‌های آموزشی،

1. jing luo

2. zang fu

## رویکرد طب سنتی چین

انتشار مقالات، سازماندهی انجمن‌ها، ترجمه کتاب‌های طب سنتی از ژاپنی به چینی، و تولید داروهای جدید سنتی به دفاع فعالانه از طب سنتی و تقویت و ترویج آن پرداختند. تمام این تغییرات نشان می‌دهد که ورود علم پزشکی غرب به چین، تا حدی، منجر به تقویت و توسعه طب سنتی چین شده است. در طول تاریخ، ورود هر فرهنگی به یک کشور باعث غنا و تعالی فرهنگ آن کشور می‌شود. علم مدرن غرب نیز نوعی فرهنگ است که نه تنها هیچ آسیبی به طب سنتی چین وارد نکرده، بلکه فرصت‌های بیشتری برای رشد و توسعه آن ایجاد کرده است.

به دلیل تضادی که در دوره تاریخی خاصی بین طب سنتی چین و علم پزشکی غرب ایجاد شده بود، تألیف کتاب‌های درسی طب سنتی چین در سال ۱۹۵۸ توسط چندین دانشکده طب سنتی تحت نظارت وزارت بهداشت چین تاریخ‌ساز شد. از آن زمان تاکنون، یک دوره درسی به نام «مقدمات طب سنتی چین» ایجاد شده و مفهوم «مبانی نظری طب سنتی



ترازوی دارو، هاون، آسیاب، ظرف پخت دارو و دیگر وسایل مورد استفاده امپراتوری چین در نهاد طب و دارویی به نام «طبیب‌خانه‌ی تای» که در دربار بود.

چین» در دانشگاه‌ها رواج یافته. البته تألیف کتاب با موضوع طب سنتی چین به سبک جدید نیازمند مطالعه سیستماتیک طب سنتی این کشور است. ولی هدف از تألیف این کتاب‌ها در واقع رواج مجدد تفکرات سنتی در حوزه علم پزشکی و انتخاب بخش‌های کلیدی طب سنتی چین به عنوان پایه‌های اصلی آن از طریق مطالعه دقیق و تفکیک تفکرات درست و اشتباه آن است. پس از گذشت چند دهه، ساختار اصلی و محتوای کتاب‌های طب سنتی چین تقریباً بدون تغییر باقی مانده است، این در حالی است که کتاب‌ها چندین بار بازنگری و ویرایش شده‌اند. در این «سنت» بازنگری‌شده، نظریه «مجاری و گذرگاه‌ها» دیگر شامل این تفکر نیست که «مجاری نزدیک به پوست بدن، که قابل مشاهده‌اند، مجاری فرعی و آن‌هایی که در عمق اعضای داخلی بدن نهفته شده‌اند مجاری اصلی هستند» یا این‌که «رنگ آبی سیاهرگ‌ها نشان‌دهنده سردی و رنگ قرمز سرخرگ‌ها نشانه گرمی است». در نظریه جدید طب سنتی



کمپانی هند شرقی، که بریتانیا آن را اداره می‌کرد، در سال ۱۸۲۷ اولین درمانگاه چشم‌پزشکی را در چین راه‌اندازی کرد.



پس از ورود علم پزشکی غرب، چینی‌ها روزبه‌روز با طب و داروی غربی آشنا تر شدند. تصویر مربوط به تبلیغ داروی آسپیرین یک کارخانه داروسازی در دهه ۱۹۳۰ است.

چین، پنج عضو زانگ و شش عضو فو<sup>۱</sup> به صورت یک «واحد فیزیولوژیک» تعریف شده‌اند که معادل اعضای آناتومیک در نظر گرفته نشده و دیگر به اعضای مختلف دربار نیز تشبیه نشده‌اند. امروزه طب سوزنی و موکسادرمانی<sup>۲</sup> دیگر تنها «روش درمانی خارجی» محسوب نمی‌شوند، بلکه تعریفی که امروزه از آن‌ها ارائه می‌شود «روش‌های درمانی برای تنظیم جریان چی و جریان خون و بهبود عملکرد اعضای داخلی از طریق تحریک فیزیکی» است. گفته می‌شود که مهم‌ترین ویژگی طب سنتی چین، که آن را از علم پزشکی غرب متمایز می‌سازد، درمان بر اساس تفکیک سندرم‌هاست؛ به این معنی که علایم بالینی

بیماری‌های مختلف، با توجه به مزاج بیماران، به گروه‌های مختلف (مانند

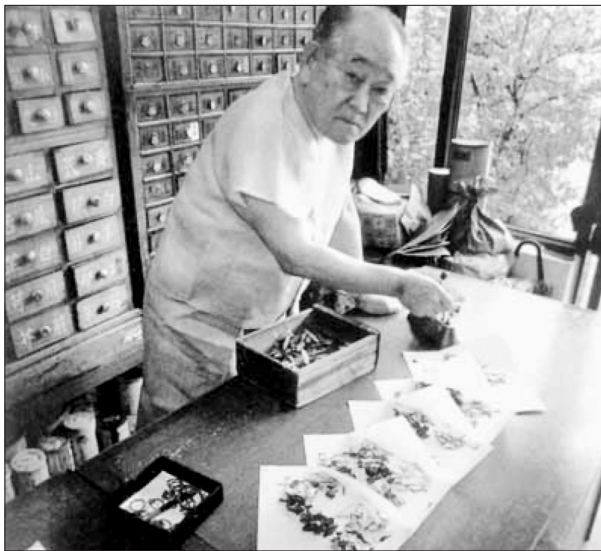
۱. ارگان‌های زانگ و فو (liu fu & wu zang) اصطلاحی کلی برای اعضای بدن انسان است که شامل شش عضو زانگ (قلب، ریه، طحال، کبد، کلیه و پریکارد) و شش عضو فو (معهده، روده بزرگ، روده کوچک، مثانه، کیسه صفرا و گرم‌کننده سه‌گانه) می‌شود. و از آن‌جا که پریکارد غشای محافظت‌کننده از قلب است زانگ به طور کلی پنج عضو دارد.

۲. یکی از روش‌های درمانی در طب سنتی چین که در آن گیاه موکسا را، که در فارسی با نام برنجاسف یا بومادران نیز شناخته می‌شود، با هدف حرارت‌درمانی در نقاط طب سوزنی روی سوزن‌ها یا به طور مستقیم روی بدن می‌سوزانند.

کمبود، فزونی، سردی و گرمی) تقسیم می‌شود. بسیاری از اطبای سنتی چین معتقدند که این اصل درمانی را ژانگ ژونگ‌جینگ<sup>۱</sup> (حدود ۱۵۰-۲۱۹م)، که یکی از اطبای بزرگ سلسله هان شرقی (۲۵-۲۲۰م) بود، بنا نهاده است. ولی اگر علم پزشکی غربی به چین راه نمی‌یافت، این ایده چنین پیچیده نمی‌شد، چرا که در زبان چینی کاراکترهایی که برای نوشتن واژه‌های «سندرم» و «نشانه بیماری» به کار می‌روند تقریباً یکسان‌اند و اطبای گذشته هیچ‌گاه به تمایز بین دو کاراکتر و دو مفهوم فکر نکرده بودند. در کتب گذشته، تمامی نشانه‌های بیماری مانند کمبود، فزونی، سردی، گرمی، دل‌درد و سرگیجه به عنوان بیماری به کار می‌رفتند.

### درک طب سنتی چین

برای درک طب سنتی چین باید دانش و تسلط نسبتاً زیادی بر فرهنگ



در دید بسیاری از مردم، مهارت طبیب طب سنتی چین با سن و سال وی نسبت مستقیم دارد، بنابراین اطبای مسن همیشه راحت‌تر پذیرفته می‌شدند.



منظور از داروی آماده در طب سنتی چین داروهایی است که بر اساس شیوه معینی از درمان بیماری‌های رایج آماده شده است. این داروها را می‌توان هر زمان استفاده کرد. مانند انواع قرص‌ها، پودرها یا محلول‌ها. داروهای آماده مرحله جوشاندن را، که در تهیه داروهای طب سنتی چین ضروری است، ندارند و البته حمل آن‌ها راحت‌تر است. نقص آن‌ها هم این است که ترکیباتشان ثابت است و نمی‌توان مانند جوشانده‌ها برای هر بیماری‌ای آن را تغییر داد.

چین و به‌ویژه فلسفه این کشور داشت، چرا که مبانی نظری طب سنتی چین در دوران باستان و با ترکیب و تلفیق حوزه‌های مختلف ایجاد شده است. راه دیگر برای درک طب سنتی چین یادگیری علم مردم‌شناسی است، چرا که تمرکز مردم‌شناسی بر شناخت انواع فرهنگ‌های مختلف است.

آگاهی از تفکر فلسفی در طب سنتی چین لازمه درک مبانی نظری و رویه‌های عملی آن است. درمان بر اساس تفکیک سندرم‌ها مثال خوبی در این زمینه است. ارتباط بین بدن انسان و بیماری پیچیده است و بنابراین تناقضاتی بین پزشکی مدرن و «علم» وجود دارد. کلود برنارد (۱۸۱۳-۱۸۷۸ م) در مقدمه‌ای بر طب تجربی<sup>۱</sup> می‌گوید به اعتقاد وی علم طب هیچ ویژگی خاصی که آن را از سایر علوم جدا کند ندارد، ولی اطبا همواره به وی گوشزد می‌کرده‌اند که در علم طب موارد استثنایی و نامتعارف فراوانی وجود دارد. طب سنتی چین معتقد است که هیچ شخصی دقیقاً مانند شخص دیگر نیست، بنابراین هیچ بیماری‌ای نیز در دو شخص متفاوت بروز یکسانی ندارد و نمی‌توان برای درمان آن از یک روش واحد (بدون اعمال تغییرات جزئی در آن) استفاده کرد. البته در طب سنتی چین برخی درمان‌های ثابت نیز

تجویز می‌شوند. ولی در درمان بالینی، اطبا معمولاً مجبور به ایجاد تغییرات کوچک در این نسخه‌ها برای سازگاری آن‌ها با بیماران مختلف می‌شوند. این پدیده‌ها به نظر می‌رسد با مفهوم «تکرارپذیری» نتایج، که مورد تأکید «علم» است، تناقض داشته باشد. ولی این تناقض را به‌سادگی می‌توان درک کرد. بر اساس طب سنتی چین، عاملی که باعث عدم تکرارپذیری یک روش درمانی می‌شود این است که درمان در طب سنتی چین معطوف به بیمار

1. *Introduction to Experimental Medicine*

است نه بیماری. از آن جایی که هیچ شخصی دقیقاً همانند شخص دیگر نیست، بنابراین روش درمان آن‌ها نیز باید متفاوت باشد. از لحاظ نظری، طب سنتی چین نسبت به پزشکی غرب برتری دارد.

از آن جا که هیچ کدام از درمان‌ها همانند هم نیستند، در بیشتر موارد، تفاوت تنها در مقدار داروی تجویز شده است. از همین رو، طب سنتی چین قادر به ایجاد اصول درمانی اولیه و برخی داروهای مؤثر بوده است. در واقع، درمان در طب سنتی چین کاملاً تکرارناپذیر نیز نبوده و تکرارپذیری آن بستگی به معیارهای انتخاب شده برای تحلیل آن دارد. در طب سنتی چین، «تشابه» همواره شامل علائم یکسان نبوده و «تفاوت» را می‌توان بر اساس معیارهای طب مدرن توضیح داد. مثلاً، اگر علائم بالینی یا «تشابه» و «تفاوت» در پزشکی مدرن را معیار قرار دهیم، هیچ تکرارناپذیری‌ای وجود نخواهد داشت.

بیماری التهاب مغز دو بار در قرن بیستم همه‌گیر شد. پزشکان غربی در همه‌گیری دوم برای درمان بیماران دقیقاً از درمان‌های سری اول استفاده کردند، ولی نتیجه‌ای نگرفتند. اطبای سنتی چین به آن‌ها

توصیه کردند که روش درمانی‌شان را عوض کنند و این کار ثمربخش واقع شد. از دیدگاه پزشکان غربی، بیماری التهاب مغز، که دو بار همه‌گیر شده بود، دقیقاً بیماری یکسانی بود. ولی از نظر اطبای سنتی چین، این دو بیماری به دلیل تغییر فصول و نوسانات حاصله در رطوبت و دمای هوا با هم متفاوت بوده‌اند. مثال دیگر قرصی بود که لی گائو (۱۱۸۰-۱۲۵۱ م) برای درمان بیماری‌های معده تولید کرد. اما پزشکان امروزی از آن اغلب برای درمان کم‌خونی، خستگی روانی و افتادگی راست‌رونده استفاده می‌کنند. البته با این‌که علائم خارجی این بیماری‌ها متفاوت است، منشأ تمامی آن‌ها یکسان است.



در دوران دودمان‌های چین و هان، طب سنتی چین تعاملات دارویی و طبی با خارج را آغاز کرده بود. تصویر مربوط به تألیف کتابی ژاپنی درباره طب سوزنی است.

---

## مبانی کلاسیک طب سنتی چین

---



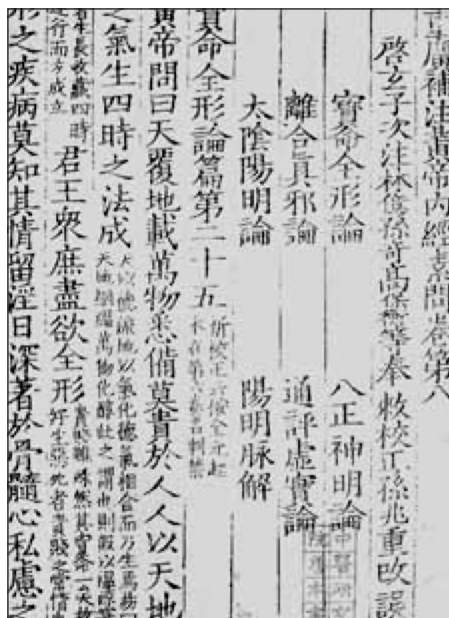


شین نونگ، الههٔ زراعت و مخترع طب و داروی چینی، در حال جمع‌آوری گیاهان دارویی است.

مجموعه مسائل طبی امپراتور زرد

مجموعه مسائل طبی امپراتور زرد، که یکی از قدیمی ترین منابع طب سنتی چین است، از دو بخش تشکیل شده: «مکالمه ساده»<sup>۱</sup> و «محور معنوی»<sup>۲</sup> که هر کدام شامل هشتاد و یک فصل هستند. طبق باور عموم، مجموعه مسائل طبی امپراتور زرد بین دوره دولت‌های جنگ طلب (۴۷۵-۲۲۱ ق.م) و سلسله‌های چین و هان نگاشته شده است. این کتاب مجموعه‌ای از نظریات و تجربیات اطبا از مکاتب مختلف است. نام مجموعه مسائل طبی امپراتور زرد در فصول ابتدایی کتاب فهرست

کتاب‌ها<sup>۳</sup> نوشته لیو شیانگ (حدود ۶-۷۷ ق.م) و پسرش لیو شین (?-۲۳ م) آمده است. هنوز بر سر این که آیا این کتاب همانی است که متشکل از دو بخش «مکالمه ساده» و «محور معنوی» بوده و پس از قرن‌ها به دست ما رسیده است یا نه تردید وجود دارد. دو بخش فوق شامل موارد زیر هستند:



تصویر کتاب مجموعه مسائل طبی امپراتور زرد.

۱. «مکالمه ساده» به اصول بین و یانگ، پرورش سلامت در فصول مختلف، و همچنین فیزیولوژی و پاتولوژی اعضای داخلی بدن و مجاری آن می‌پردازد. در حالی که «محور

معنوی» عمدتاً درباره طب سوزنی و موکسادرمانی صحبت می‌کند. هیچ‌کدام از دو بخش کتاب درباره دارودرمانی بحث نمی‌کنند، بلکه

1. Su Wen

2. Ling Shu

3. Qi Lue

تنها در خصوص اعضای داخلی بدن، رژیم غذایی، و سازگاری بین داروهای مختلف بر اساس نظریهٔ وو شینگ (پنج عنصر)<sup>۱</sup> بحث می‌کنند.

۲. بیشتر فصل‌های این دو بخش به صورت مکالمه بین هوانگ تی (یکی از پادشاهان افسانه‌ای چین باستان)<sup>۲</sup> و وزرای وی یعنی چی بو، لی گونگ و بو گائو نوشته شده است. سؤال و جواب‌های افراد مختلف نمایندهٔ تفکرات مختلف در طب سنتی [آن دوره] است. این تفکرات یا ریشه در نظریهٔ پنج عنصر داشتند و مردم را به پنج دستهٔ فلز، چوب، آب، آتش و خاک تقسیم می‌کردند، یا بر اساس نظریهٔ یین و یانگ بودند و مردم را به پنج گروهٔ تای یانگ، شائو یانگ، تای یین، شائو یین و در نهایت یین و یانگ متعادل گروه‌بندی می‌کردند.

۳. عموم خوانندگان این دو بخش اتفاق نظر دارند که خواندن و درک «محور معنوی» ساده‌تر از بخش دیگر بوده و بایست بعد از «مکالمهٔ ساده» نوشته شده باشد. اما نقل‌قول‌هایی از محور معنوی را نیز می‌توان در مکالمهٔ



کتاب ابریشمین یازده راه یافت‌شده از مقبرهٔ سلسلهٔ هان در ما وانگ دویی، استان هونان.

۱. Wu xing: در فلسفهٔ چین باستان به جای عناصر اربعه وو شینگ یا پنج عنصر وجود دارد. این پنج عنصر (چوب، آتش، خاک، فلز، آب) برخلاف عناصر اربعه تشکیل‌دهندهٔ جهان نیستند، بلکه نشانهٔ تغییرند و هر یک عنصر بعدی را می‌آفریند.

۲. یا امپراتور زرد، فرمانروای افسانه‌ای چین که گفته می‌شود بیست و پنج پسر داشته و مردم چین از نسل آنان‌اند. او را بانی فلسفهٔ تائوئیسم نیز می‌دانند. وی همچنان در چین بسیار محبوبیت دارد، هر چند مورخان او را شخصیتی افسانه‌ای قلمداد می‌کنند.